



گردهمایی روحانیون و متنفذین مرتجع، به مثابه

تلاش ناکام ضد ملی طالبان، محکوم است!

گروه مزدور و مرتجع افراطی طالبان و "امارت اسلامی" خود خوانده آن با امیرالمؤمنین ناپیدایش، حاصل توطئه و زد و بند مشترک پنهانی امپریالیستی — ارتجاعی عمدتاً بیرونی است. با این دو خصیصه، این گروه و امارت برده صفت در برابر استعمار و ستمگر در برابر مردم افغانستان، فاقد ذره ای صبغه و وجاهت ملی و اجتماعی است.

همزمان با این انزوای ملی و اجتماعی درونی، از بعد بیرونی نیز این گروه با نقض تعهداتش در قبال اربابان امپریالیست امریکائی — ناتوئی در توافقمه پنهانی دوحه، "گوش ندادن به دستور های خارجی های "غربی" به فرمان "خارجی های" شرقی و در پیش گرفتن رویکرد های تمامیتخواهانه، فاشیستی و شوونیستی در قبال غیرطالبان، دگراندیشان، زنان و گروه های قومی در جامعه کثیرالقومی افغانستان؛ در تنگنای فلج کننده افلاس مالی خود را از دریافت منابع مالی دول و سازمان های عمدتاً مرتبط با دولت های امپریالیستی غربی و یا متأثر از سیاست های آنها، محروم ساخته است. همین انزوای دو جانبه ملی و بین المللی، در حالی که مردم افغانستان به شمول زنان و مردان ستمکش در تحت امارت اسلامی طالبان جنایتکار به سوئے ملی زندانی اند و گرسنگی می کشند و ماشین کشتار امارت اسلامی منابع محدود را می بلعد و نیازمند منابع مالی بیشتر است؛ پاشنه آشیل این گروه فاشیستی مطرود و منفور، است.

مشاوران بیرونی "امارت اسلامی" شلاق و تازیانه گروه فاشیست طالبان برای برون رفت از حالت درماندگی و انزوای ملی و بین المللی و تنگنای اقتصادی و سیاسی "امارت اسلامی" طالبان، تدویر گردهمایی مضحک روحانیون و متنفذین خریده شده را به حیث معجون اعجازگر درمان درد لاعلاج این گروه، تجویز کردند. رژیم درمانده طالبان در عین دعوت درمانده ترها و جنایتکار ترین افراد رژیم گذشته به آغوش همگان طالبی شان؛ با تطمیع و تهدید، گردهمایی رسوای سه روزه روحانیون و متنفذین خریده شده از ولسوالی های کشور را در میان موجی از بیم و هراس تحت تدابیر شدید امنیتی از روز پنجشنبه نهم تا شنبه یازدهم سرطان ۱۴۰۱ شمسی (۳۰ جون تا ۲ جولای ۲۰۲۲م) در تالار "لویه جرگه" واقع در شمال- غرب شهر کابل برگزار کرد. با این تلاش مذبوحانه ضد ملی و ضد دموکراتیک، رهبران و مشاوران طالبان بر آن بودند که سیاست ها و رویکرد های تمامیتخواهانه، فاشیستی و شوونیستی قومی — جنسیتی و بیداد و مطلق العنانی خود را با بردن به "لویه غونپه" چاکران آستان بوس خود و صحنه گذاشتن این چاکران و تطمیع شدگان بیعت کرده به امیرالمؤمنین نادیده و ناپیدای "امارت اسلامی"، به نام "نمایندگان" مردم افغانستان رسمیت بخشیده و صبغه قانونی و مشروعیت ببخشند. اما، در پایان کار به رغم چنین چشمداشتی، جریان این صحنه سازی برای تدویر مضحکه "لویه غونپه" روحانیون و متنفذین تطمیع و خریده شده از جنس ملا "مجیب الرحمن" جنایتکار، این صحنه سازی ناکام و فاقد اعتبار ملی و اجتماعی به قدر کافی مفتضح و مضحک از آب درآمد.

آجندا، محتوای سخنرانی‌ها و قطعنامه‌های این تجمع رسوای سرکاری متشکل از مشت‌های از تطمیع و تهدید شدگان طالب سرشت از ولسوالی‌های کشور، از قبل به آن خریداران ابلاغ شده بود و در جریان جلسه کنترل می‌شد. این "لویه غونډه" رسوای طالبان مثل سائر لویه جرگه‌های سیاسی به ابتکار دولت‌ها و قدرت‌های ارتجاعی و وابسته به استعمار به مثابه ابزار بدوی و غیردموکراتیک برخاسته از سنت قبیله‌ای، در دست "امارت اسلامی" گروه مرتجع و مزدور طالبان با هدف خاص، هیچ‌گونه ارزش و اعتبار قانونی و دموکراتیک ندارد. در همچو یک تلاش رسوا و ناکام، در حالی که گروه ضد ملی و فاشیست طالبان با زنان و مردان معترض کشور با زبان گلوله حرف زده و در مورد سرنوشت شان با بیگانگان مغرض، طماع و متجاوز تصمیم می‌گیرد و حیات و موات مردم منزجر و عدالت‌جو را با ترور و محاکمات صحرایی به شیوه فاشیست‌های هیتلری تعیین می‌کند؛ چگونه ممکن است که مردم هر ولسوالی بدون هراس و اجبار به شیوه دموکراتیک و رضاکارانه دو روحانی غیر طالب و یک فرد دیگر را انتخاب و به "لویه غونډه خیانت" روحانیون چاکر صفت بفرستند و به طور غیرمستقیم و غیابی، بیعت جمعی خویش را به امیرالمؤمنین اعلام داشته و سیاست‌های خونین و خائنانانه اداره ضد ملی طالبان و تصاویر ضد انسانی و تبعیض‌پسند این "لویه غونډه" رسوا را بپذیرند. نه این "لویه غونډه" طالبانی ربطی به خواست، علایق و آمال ملی و اجتماعی مردم افغانستان دارد، نه آن را بازتاب می‌دهد و نه این خیل چاکران آستان بوس و اراذل خود فروخته که در روز سوم به امیرالمؤمنین "بیعت" کردند، نمایندگان مردم کشور اند و نه می‌توانند از جانب مردم ولسوالی‌ها چنین بیعتی برده‌وار را بکنند.

رژیم خونین طالبان در اوج تنفر مردمی و استیصال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در حالی نومیدانه به امید شکستن بن بست به چنین تلاشی مذبوحانه و ناموفق متوسل شد که نفس شرکت جنایتکارانی از نوع ملا مجیب الرحمن و عربده‌کشی‌های وی برای حذف (سر بردن) مخالفان، تسامح ادعائی و عفو طالبان را باطل ساخت. عربده‌کشی امیرالمؤمنین در برابر تعدادی از "خارجی‌ها" در عین حلقه به گوشی به بخش دیگر "خارجی‌ها"، ضمن نواختن بر دهل شریعت، کوبیدن مهر تمامیت خواهی ایدئولوژیک، سیاسی، جنسیتی، اجتماعی، فرهنگی و قومی؛ ریاکاری، عوامفریبی و شعارهای دروغین گروه و "امارت اسلامی" خودفروختگان طالبان را نشان می‌دهد.

رژیم ضد ملی و ضد مردمی فاقد مشروعیت طالبان با راه اندازی این "لویه غونډه" (افتضاح و ریاکاری بزرگ) در صدد تحمیل یوغ سنگین و اسارت‌بار سیاست‌ها و رویکرد‌های تمامیت‌خواهانه، فاشیستی و شوونیستی جنسیتی و قومی طالبان بر دوش مردم افغانستان است. این در حالی صورت می‌پذیرد که کشور را به زندان زنان و معترضان و افغانستان را به کشور گرسنگان مبدل ساخته و ماشین جنگی و کشتار آن بی‌وقفه شب و روز علاوه از منابع عایداتی مافیائی و مالیاتی، منابع طبیعی کشور را که ثروت مردم افغانستان است (مثل زغال سنگ) خائنانانه و در زد و بند با غارتگران درونی و پاکستانی تاراج کرده و می‌بلعد. هدف رژیم با دعوت این "لویه غونډه" سیاسی ارتجاعی و فاقد مشروعیت قانونی، خاک زدن به چشم مردم افغانستان توسط این "جرگه ماران" برای بستر سازی کسب مشروعیت بین‌المللی است.

تحمیل رژیم طالبان بر دوش زخمی مردم ستمدیده افغانستان از بعد ملی به معنای تداوم غیرمستقیم سلطه استعماری دول امپریالیستی شرق و غرب و دول و سازمان‌های حریص و ارتجاعی منطقه و همجوار افغانستان، معنی می‌دهد. لذا، هر نوع زمینه‌سازی برای تداوم این سلطه استعماری در وجود "امارت اسلامی" طالبان در کشور، در حکم خیانت ملی است. به رغم این خواست ارتجاعی طالبان و "غونډه نشینان" زن ستیز و دانش ستیز چاکر منش، قطعنامه یازده ماده‌ای آن از ماده اول تا آخرش سراسر استبدادی، برده‌وارانه، قلدربابانه، ضد زن، ضد دانش، ضد وحدت ملی، تمامیت‌خواهانه، فاشیستی، شوونیستی و ضد دموکراتیک بوده و از منظر منافع علیای ملی و اجتماعی مردم سلحشور افغانستان به ویژه زنان ستمکش کشور؛ مثل خود گروه و "امارت اسلامی" خون آشام و مزدور طالبان، فاقد ذره‌ای وجاهت ملی و اجتماعی است.

این مزدوران "غونپه نشین" باید بدانند که خلق افغانستان خیانت های تاریخی آنها به سرکردگی اربابان خون آشام طالبی شان را در حافظه جمعی خویش حفظ کرده و پاسخ مقتضی خواهد گفت. قطعنامه ای که در "لویه غونپه" خیانت ملی و تاریخی صادر گردید، در عین پرده انداختن به جنایت و خیانت تا کنونی گروه فاشیست طالبان بی وطن؛ در عین تأیید سلطه بیدادگرانه طالبان و امتداد سلطه استعماری امپریالیسم و ارتجاع بیرونی تا حال و آینده کشور، اعتراف رسمی ایست بر اسارت و بردگی خلق شجاع، ولی تحت ستم و جفاکش افغانستان. اما، خلق افغانستان شامل زنان و مردان ستمدیده مبارز، معترض، مترقی و آزادیخواه همان گونه که گذشته های خونبار گروه فاشیست و "امارت اسلامی" طالبان و حامیان و اربابان امپریالیست و مرتجع آن را فراموش نکرده اند، به نیرنگ های اغواگرانه مزدوران طالبان باور نخواهند کرد.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) این اقدام ناکام و رسوای اغواگرانه مزدوران شیفته قدرت طالبی را از موضع تخطی ناپذیر منافع ملی و تاریخی مردم افغانستان، مثل خود اداره ضد ملی و ضد مردمی طالبان با شدت تمام محکوم و مردود دانسته و از موضع همین منافع علیا علیه تصاویر و سیاست های آن می ستیزد.

در طول تاریخ باستانی کشور آبائی ما ارتجاع تاریخ زده و در امتداد قرون و دهه های اخیر، ارتجاع بومی کشور در همدستی با استعمارگران بیرونی با رنگ ها و نیرنگ های متعدد آمده، بر خلق و میهن ستم و خیانت کرده و رفته اند. در مقابل، به گواهی تاریخ، این توده های مولد رنج و کار مردم اند که منبع لایزال قدرت، آفرینش، تاریخ سازی و عامل دگرگونی اجتماعی — تاریخی محسوب می شوند.

فقط با کسب آگاهی و انسجام ملی و طبقاتی است که خلق زحمتکش و تحت ستم کشور به پا ایستاده و توان جمعی تعیین مقدرات ملی و اجتماعی خویش را به دست می آورند. برای مساعد ساختن زمینه ها و شرایط ذهنی و ایجاد ابزار مادی — تشکیلاتی تدارک و تحقق چنین تغییری؛ نیرو های پیشرو جامعه با نقش رهنمونی، سازماندهی و مدیریت بسیج تاریخی و تحول انگیز زحمتکشان ستمکش؛ نقش و رسالت پیشتاز حیاتی و انصراف ناپذیر دارند. با این نقش و رسالت نیروی پیشتاز خلق؛ انسجام درست فکری، سیاسی، تشکیلاتی و عملی آن حول مبنا های محکم و دقیق تعریف و شناخته شده، نیاز مبرم زمان است.

لویه غونپه ارتجاعی و ضد ملی روحانیون و متنفذین مرتجع طالب سرشت، محکوم است!

مرگ بر طالبان و رنگ و نیرنگش!

مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

نیرومند باد اتحاد و آگاهی رزمنده خلق افغانستان!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۱۲ سرطان ۱۴۰۱ شمسی / ۰۳ جولای ۲۰۲۲ میلادی